

نوجوانان و تاریخ

آنها چگونه تفکر خود را گسترش می دهند؟
(ایده‌های نوجوانان درباره اسناد و مدارک و روش‌شناسی در تاریخ)

تألیف: دنیس شمیلت ترجمه: حشمت‌الله سلیمی

مقدمه

یافته‌های مقاله‌ی حاضر براساس بررسی‌های انجام گرفته روی ۱۶۸ دانش‌آموز ۱۵ ساله در ۲۴ مدرسه، به دست آمده‌اند. دنیس شمیلت، یکی از افراد صاحب‌نظر در امر آموزش تاریخ در بریتانیا است. او ابتدا به بررسی پروژه‌ی درس تاریخ مدرسه‌ها پرداخت. سپس در سمت مدیر آن پروژه، مبتکر پژوهش درک تاریخ در میان نوجوانان شد.

این مطالعه می‌کوشد، مقوله‌ی تفکرات نوجوانان درباره‌ی تاریخ را، در چهار مرحله، از سطح پایه (مرحله‌ی اول) تا پیچیده (مرحله‌ی چهارم)، به روش زیر شرح دهد:
قدم اول:
گذشته به عنوان امری قطعی و پذیرفته شده برای دانش

تاریخی در نظر گرفته شده است. برخی از دانش‌آموزان می‌دانند، آنچه که معلمشان بیان می‌کند، واقعیت دارد، زیرا که واقعیت در آگاهی نهفته است و معلم گوینده و نقل‌کننده‌ی واقعیت‌هاست. دانش‌آموزان به مورخان به عنوان حافظان گذشته نگاه می‌کنند. حقایق تاریخی به این دلیل که اموری تغییرناپذیر هستند، ثبت‌کردنشان در حافظه سخت و ناهنجار است.

مردم از گذشته دانشی بر جای گذاشته‌اند که درک آن‌ها به آسانی درک شواهد برجامانده از یک اتفاق نیست، بلکه ایده‌هایی مبهم هستند که درکشان برای بسیاری از دانش‌آموزان آسان نیست. اطلاعات ناقصی که از گذشته بر جای مانده است، به یک داستان ناتمام می‌ماند. با این حال، اطلاع یافتن از واقعیت امر در داستان ناتمام هم اهمیت دارد.

بعضی از دانش‌آموزان در زمینه‌ی ارتباط دادن آگاهی‌های (اطلاعات) تاریخی به اسناد و مدارک، با مشکلات زیادی مواجه هستند. آیا این موضوع را می‌توان یکی از جنبه‌های عمیق نشدن تفکر به حساب آورد؟ برای اظهارنظر در این زمینه مدارکی وجود دارند که در ادامه خواهند آمد.

قدم دوم: مدارک مستند برای پی بردن به تاریخ گذشته، امتیازات ویژه‌ای از نظر اطلاعاتی دارند. دانش‌آموزان با این واقعیت روبه‌رو هستند که مستندات نقش مهمی در بیان وقایع تاریخی ایفا می‌کنند. آن‌ها درمی‌یابند که مدارک و مستندات، باید مورد ارزیابی قرار گیرند. با



این حال، بسیاری از دانش‌آموزان نمی‌توانند تفاوت بین منابعی را که مربوط به پیوستگی رخدادها هستند با منابعی که وقایع را تفسیر می‌کنند و توضیح می‌دهند، درک کنند. بنابراین، برای به دست آوردن اطلاعات قابل اعتماد، به تحقیق و جست‌وجو در تمامی منابع می‌پردازند. همچنین امکان دارد، بدون آن که مفاهیم اساسی را درک کنند، در استفاده از زبان تکنیکی موفق شوند.

در این مرحله، ممکن است دانش‌آموزان در تشخیص و تمایز بین تبعیض قائل شدن و ارزیابی کردن، شکست بخورند. برای مثال، میان این دو مورد تفاوت وجود دارد:

۱. رویکرد آزادیخواهانه (لیبرال) به مارکسیسم امروزی، برای کاهش ضرباتی که بر آن وارد شده است؛

۲. سخنرانی‌هایی که توسط یک عضو خشمگین ائتلاف آزادیخواه در پارلمان انجام می‌شود.

همچنین، تمایل ساده‌لوحانه‌ای برای مساوی دانستن سندیت و درستی منابع تاریخی با اعتبار و قابل اعتماد بودن آن‌ها وجود دارد. از این رو، منابع دست اول نسبت به منابع دست دوم برتری دارند. برای مثال، دست خط کوچکی که از آدولف هیتلر بر جای مانده است و می‌گوید، جنگ با بریتانیا فقط یک سوءتفاهم است، برای برخی جوانان بیش‌تر قابل اعتماد است تا فصلی از کتاب «جنگ جهانی دوم»، نوشته جان کی گان^۱، مورخ مشهور نظامی.

سرانجام، برخی از دانش‌آموزان می‌پندارند، مورخان به تصویری واقعی از گذشته نگاه می‌کنند و با استفاده از آن، حقایق تاریخی را از زوائد جدا می‌کنند.

قدم سوم: سند، مأخذ و پایه‌ای است برای استنباط در مورد تاریخ گذشته و به عنوان بخشی از فرایند یافتن ارتباط بین جریان‌های تاریخی محسوب می‌شود. دانش‌آموز می‌تواند، تفاوت بین اطلاعات و سند را تشخیص دهد و به انواع طرح‌هایی احتیاج دارد که او را هدایت، یا محتوای منابع را ارزیابی کند. برای پرداختن به این موضوع، برخی دانش‌آموزان از تصورات قبلی خود دست می‌کشند و یا با استفاده از راهنمایی‌های معلمشان، به استنتاج دست می‌زنند.

به هر حال، تفکر تاریخی نسبت به استنتاج و قیاس، پایه و اساس بسیاری از فرایندهای استدلالی را تشکیل می‌دهد. شکلی از قیاس استدلالی، کاهش مطالب غیرمسلّم و نامعلوم و دگرگون کردن و تبدیل آن‌ها به مطالب مسلّم و معلوم است. به بیان دیگر، دانش‌آموزان (و مورخان) نمی‌توانند کاملاً مطمئن باشند، استدلال تاریخی، دستاورد منحصر به فرد توضیح موارد مشکل باشد، بلکه می‌تواند حاصل یکایک شرح‌هایی باشد که نتیجه‌ی قطعی و مسلّم شواهد و تفسیرهاست.

در به کارگیری قاعده‌ی نامطمئن (غیرمسلّم) بودن، دانش‌آموزان ممکن است فرضیاتی را در نظر بگیرند و آن‌ها را در مقابل اسناد

ببازمایند. دانش‌آموزان در این قدم به مورخانی می‌مانند که در حال کار با یک روش شناسی مشخص هستند. برای مثال، فرضیه‌های اولیه را در نظر می‌گیرند، به خاطر اسناد به مسافرت می‌روند، فرضیه‌ای را اصلاح و آزمایش می‌کنند و با توجه به اسناد به دست آمده، فرضیه‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از سوی دیگر، دانش‌آموزان ممکن است کماکان به جست‌وجو (پژوهش) برای کشف حقایق مسلّم به عنوان بخشی از فعالیت درسی خود بپردازند.

قدم چهارم: عبارت است از آگاهی از جنبه‌ی تاریخی سند به منظور بازسازی وقایع، و نه فقط برای بیان آن‌ها. در این قدم، دانش‌آموزان شروع می‌کنند به فهمیدن این موضوع که تاریخ عبارت است از بازسازی حوادثی که ممکن است، سهم کوچک و ناشناخته‌ای در موضوع مورد بحث داشته باشد. همچنین، دانش‌آموزان ممکن است صرفاً به یک جنبه از حوادث تاریخی متوسل شوند و به نوعی از فرضیه‌سازی پیکره‌ی بیرونی تر حوادث برای پیدا کردن خط سیر آن حادثه، احتیاج داشته باشند.

به هر حال در قدم چهارم، جوان ممکن است به قراین بی‌واسطه و مناسب توجه کند، و دسته‌ای از قراین را که ممکن است در حالت عادی مورد توجه یک مورخ و یا فردی تحریف‌کننده قرار بگیرد، در کنار هم ردیف کند. البته این امکان هم هست که دانش‌آموزان در تفسیر منابع اصلی نسبت به اسناد دست دوم مشکل داشته باشند؛ به ویژه وقتی که بخواهند هویت چیزی را تعیین کنند.

سرانجام در این مرحله، دانش‌آموزان به استفاده از این نوع از اطلاعات دست اول برای مطرح کردن پرسش‌هایی در مورد منشأ و درجه‌ی اهمیت منابع توجه می‌کنند. این فرایند ادامه‌ی ایده‌ای است که منابع معتبر را بر منابع دست دوم ترجیح می‌دهد. برای اقدام کردن به روش مطرح شده در مرحله‌ی چهارم، معلم باید:

● اطلاعات دست اول زمان حال را به عنوان منابع دست دوم - نه به عنوان اسناد و مدارک فوق العاده - معرفی کند.

● تمرینات جداگانه‌ای برای استفاده از منابع دست اول، منابع دست دوم و منابع دست اول و دست دوم با هم، معرفی و بحث چگونگی استفاده از منابع را مطرح کند.

● به منظور پرهیز از غرق شدن در اطلاعات، زمینه‌ی اطلاعات را محدود و مشخص کند.

زیرنویس

1. John Keegan

منبع

برگرفته از کتاب:

The history Curriculum for Teachers, falmer Press, 1987